

البته پیامبران را با ویژگی‌هایی بر همدیگر برتری دادیم: خدا با برخی‌شان به‌طور ویژه حرف زد و درجات برخی دیگر را بالا برد؛ مثلاً به عیسی بن مریم معجزه‌های روشن بخشیدیم و او را به واسطه روح القدس، یعنی برترین فرشته خود، توانایی دادیم.^۱

اگر خدا به‌زور می‌خواست، مردمی که بعد از پیامبران آمدند با همدیگر نمی‌جنگیدند، آن‌هم بعد از آن‌همه دلیل‌های روشن! ولی آن‌ها دچار اختلاف شدند: عده‌ای ایمان آوردند و عده‌ای بی‌دین شدند. بله، اگر خدا می‌خواست، با هم نمی‌جنگیدند؛ ولی خدا هرچه بخواهد، می‌کند.^۲ ۲۵۳

مسلمانان! از هر چیزی که روزی‌تان کرده‌ایم، در راه خدا هزینه کنید؛ قبل از آنکه روزی برسد که نه خرید و فروشی در کار است و نه رفاقتی و نه شفاعتی. کسانی که از هزینه کردن در راه خدا طفره می‌روند، واقعاً بدکارند! ۲۵۴

جز خدا هیچ معبودی نیست. همیشه‌زنده است و پاینده. نه چرت می‌زند، نه خوابش می‌گیرد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال اوست. چه کسی در برابر او بی‌اجازه حق شفاعت دارد؟! آینده و گذشته همه موجودات را می‌داند. جز به مقداری که او بخواهد، به چیزی از علمش دست پیدا نمی‌کنند. علم و رحمتش آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگهداری‌شان برایش مشکل نیست. او بلندمرتبه بزرگ است. ۲۵۵

دین‌داری واجب است؛ اما دیگران را نمی‌توان و نباید به‌زور دین‌دار کرد؛ چون که راه از چاه کاملاً مشخص است. پس هر که در زندگی از آنچه در تعارض با خداست، دوری کند و خدا را باور داشته باشد، به چنان تکیه‌گاه مطمئنی پناه برده است که هیچ زلزلی در آن راه ندارد. خدا شنوای داناست. ۲۵۶

۱. خدای کاردرست پیامبران را دو جور بر همدیگر برتری داده است: اول: بعضی را از همه نظر برتری داده بر دیگران، مثل برتری پیامبران اولوالعظم بر سایر پیامبران. دوم: به‌رغم داشتن همه ویژگی‌های ارزشی، بعضی از آنان را در یک یا چند ویژگی برجسته‌تر کرده است. این آیه بیشتر در صدد بیان برتری نوع دوم است.

۲. یعنی خدا خودش خواسته که انسان‌ها در زندگی‌شان «اختیار» داشته باشند؛ حال یا دین‌داری را برگزینند یا بی‌دین باقی بمانند. البته این اختیار داشتن به معنای پاسخگو نبودن در برابر انتخاب بی‌دینی یا دین‌داری نیست و همگان باید منتظر عواقب مثبت و منفی انتخابشان باشند.

خدا کس و کار مسلمانان است. آنان را از تاریکی های اعتقادی و اخلاقی، به طرف نور معرفت و پاکی بیرون می کشد؛ اما کسانی که بی دینی می کنند، کس و کارشان طاغوت هایی اند که آن ها را از روشنایی خداجویی به سوی تاریکی های بی خدایی می کشانند. آن ها جهنمی اند و آنجا ماندنی. ۲۵۷

اکنون، سه مثال: ندیدی نمرود پادشاه را که، مغرور از قدرتی که در اصل خدا به او داده بود، با ابراهیم درباره خدا چون و چرا می کرد؟ وقتی ابراهیم به او جواب داد: «صاحب اختیار من همان است که به دنیا می آورد و از دنیا می برد»، نمرود گفت: «خب، من هم به دنیا می آورم و از دنیا می برم!» ابراهیم مثال روشن تری زد: «خدا خورشید را از مشرق بیرون می آورد. تو بیا و از مغرب دریاورش!» اینجا بود که آن بی دین، در برابر این منطق، مات و مبهوت ماند! بله، خدا دست چنین جماعت بدکاری را نمی گیرد. ۲۵۸

همین طور، ندیدی آن کسی^۱ را که از شهر ویرانه ای عبور می کرد که ساکنانش مرده بودند. با تعجب، به خودش گفت: «مردم این شهر را بعد از مردنشان خدا چطور در روز قیامت زنده می کند؟! پس خدا جانم را برای مدت یک صد سال گرفت. بعد، زنده اش کرد و پرسید: «چند سال در حال مرگ ماندی؟» جواب داد: «یک روز مانده ام یا کمتر از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یک صد سال مرده بودی! ببین خوردنی و نوشیدنی ات، بعد از این همه مدت، فاسد نشده؛ اما ببین الاغت چطور متلاشی و پوسیده شده است! این ماجرا را ترتیب دادیم تا زنده شدن تو را نشانه قدرتمان برای مردم قرار دهیم و... حالا به استخوان های الاغت نگاه کن که چطور سرهمشان می کنیم و گوشت و پوست بر آن ها می روایم!» همین که چگونگی زنده شدن مردگان برایش روشن شد، اعتراف کرد: «بله، می دانم که خدا از عهده هر کاری برمی آید.» ۲۵۹

۱. دو زندانی را آوردند. دستور داد یکی شان را آزاد کنند و دیگری را بکشند تا ثابت کند مرگ و زندگی دست اوست، نه خدا!

۲. او عَزَّوَجَلَّ یا ارمیا بود، بنده ای صالح یا یکی از پیامبران الهی.

حال، دقت کن در این ماجرا که ابراهیم درخواست کرد: «خدایا، نشانم بده مرده‌ها را چطور زنده می‌کنی.» خدا پرسید: «مگر این را باور نداری؟!» جواب داد: «چرا؛ ولی دوست دارم با انجامش به دست خودم، دلم آرام بگیرد.» فرمان داد: «چهار نوع پرنده بگیر و بعد از سر بریدن، ریزریز و مخلوطشان کن! بعد، هر تکه‌ای از آن را بر سر یک بلندی بگذار. سپس، صدایشان بزن تا به سرعت پیشت بیایند! بدان که خدا شکست ناپذیر کار درست است.» ۲۶۰

موقعیت کسانی که اموالشان را در راه خدا هزینه می‌کنند، مثل موقعیت دانه‌ای است که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد! تازه، خدا برای هرکه لایق ببیند، چندین برابرش می‌کند! آخر، خدا روزی گستر دانا است. ۲۶۱
کسانی که اموالشان را در راه خدا هزینه می‌کنند و به دنبال بخشش خود، منتی نمی‌گذارند و تحقیری نمی‌کنند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۲۶۲

به علاوه، رد کردن مودبانه گدایان و گذشت از بددهنی‌شان، بهتر از دادن صدقه‌ای است که تحقیری به دنبالش باشد. آخر، خدا بی‌نیاز بردبار است. ۲۶۳
مسلمانان! صدقه‌های خودتان را با منت گذاشتن و تحقیر کردن خراب نکنید؛ درست مثل آن‌هایی که دارایی‌شان را برای خودنمایی به مردم می‌بخشند و خدا و روز قیامت را باور ندارند!

وضع چنین اشخاص ریاکاری مانند وضعیت تخته سنگ صافی است که رویش، لایه نازکی از خاک نشسته و بذری در آن است. آن وقت، باران شدیدی بر آن می‌بارد: خاک را می‌شوید و سطح سنگ را صاف می‌گذارد! بله، منت‌گذارها و تحقیرکننده‌ها سودی از کارهایشان نمی‌برند؛ چون که خدا دست این جور ریاکارهای بی‌دین را نمی‌گیرد. ۲۶۴

از آن طرف، موقعیت کسانی که اموالشان را برای به دست آوردن رضایت خدا و دل‌کندن از مال دنیا، در راه خدا هزینه می‌کنند، مانند موقعیت باغی است که روی تپه‌ای قرار دارد. آن وقت، باران شدیدی بر آن می‌بارد و آن باغ دوچندان میوه می‌دهد! حتی اگر باران شدیدی بر آن نبارد، نم‌نم باران برایش کافی است. بله، خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۶۵

آیا هیچ کدامتان دوست دارد باغ خرما و انگوری داشته باشد که زیر درختانش جوی‌ها روان است و برایش در آن باغ میوه‌های متنوع دیگری هم هست و آن وقت، درحالی‌که دوران پیری‌اش فرا رسیده و فرزندان خردسال دارد، ناگهان گردبادی سوزان آن باغ را به تلی از خاکستر تبدیل کند؟! خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان توضیح می‌دهد تا به فکر فرو روید! ۲۶۶

مسلمانان! از دسترنجتان و از محصولات و معادنی که برایتان از دل خاک بیرون آورده‌ایم، مرغوبش را برای زکات و صدقه بدهید؛ نه اجناس بُنجلی را که خودتان هم قبول نمی‌کنید، مگر با بی‌میلی و از روی ناچاری! البته حواستان باشد که خدا در عین بی‌نیازی، قدرتان بخشش‌های به درد خورتان هست. ۲۶۷

شیطان، با ترساندن از فقر، شما را از کمک به نیازمندان باز می‌دارد و به کارهای زشتی چون بخل تشویقتان می‌کند؛ ولی خدا، با وعدهٔ آمرزش خودش و افزایش روزی‌اش، به کمک به نیازمندان تشویقتان می‌کند. آخر، خدا روزی‌گستر دانا است. ۲۶۸

خدا به انفاق‌کنندگان با اخلاص حکمت^۱ می‌دهد و به هرکس حکمت داده شود، در حقیقت به او خیر فراوانی داده شده است؛ البته فقط مردم عاقل متوجه این نکته می‌شوند. ۲۶۹

۱. کسی هم که کمک‌های خود به دیگران را با خودنمایی و تحقیر همراه کند، در واقع، اعمالش را نابود ساخته است و دیگر راه جبرانی ندارد!

۲. برای توضیح «حکمت»، پاورقی آیهٔ ۱۲۹ همین سوره را ببینید.

هر چیزی در راه خدا هزینه کنید یا هر نذری به عهده بگیرید، خدا می‌داند. کسانی هم که در این باره کوتاهی می‌کنند، هیچ یآوری ندارند. ۲۷۰

اگر صدقه‌ها را آشکارا و البته با اخلاص بدهید، خوب کاری کرده‌اید! ولی اگر آن را مخفیانه به فقیران آبرومند بدهید، برایتان بهتر است و در هر دو حالت، بخشی از گناهانتان را به تناسب انفاقتان، محو می‌کند؛ زیرا خدا از کارهایتان آگاه است. ۲۷۱

البته به عهده تو نیست که مجبورشان کنی چطور در راه خدا هزینه کنند؛ بلکه خدا به هر کس که شایسته ببیند، راه درست این کار را نشان می‌دهد. چیزهای به درد خوری که در راه خدا هزینه می‌کنید، در واقع به سود خودتان است؛ البته در صورتی که فقط برای رضای خدا انفاق کنید. هر چیز به درد خوری را که در راه خدا هزینه کنید، در قیامت به شما کامل پس می‌دهند و حقی از شما ضایع نمی‌شود. ۲۷۲

بهتر است کمک‌هایتان را به نیازمندی بدهید که به خاطر خدمت در راه خدا، در تنگنای مالی‌اند و برای کسب درآمد نمی‌توانند دوندگی کنند. از بس که آبرومندند و صورتشان را با سیلی سرخ نگه می‌دارند، شخص بی‌اطلاع خیال می‌کند وضعیتشان خوب است! ولی تواز حال و روزشان اینان را می‌شناسی. اینان با اصرار و سماجت از مردم گدایی نمی‌کنند. خدا کمک‌هایی را که به این عده می‌کنید، می‌داند. ۲۷۳

کسانی که اموالشان را شب و روز و پنهان و آشکار در راه خدا هزینه می‌کنند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۲۷۴

۱. علنی کردن کمک‌ها به مراکز و مؤسسات خیریه، به خاطر فواید فراوان اجتماعی‌اش، مطلوب است؛ تشویق دیگران، دلگرمی نیازمندان، خوشحالی دوستان و ناراحتی دشمنان، الگوگیری کوچک‌ترها از بزرگ‌ترها و ...

از طرف دیگر، رباخوارها دیوانه وار دنبال برهم زدن بازار کسب و کارند. این برای آن است که حتی ادعا می کنند: «خرید و فروش هم دقیقاً مثل رباست!» درحالی که خدا خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام.

هرکس دستور پندآمیزی از طرف خدا به او برسد و از آن به بعد از کار زشتش دست بردارد، آن دستور شامل گذشته های او نمی شود؛ البته عاقبت کارش دست خداست. ولی آن هایی که برادامه آن کار زشت پافشاری کنند، جهنمی اند و آنجا ماندنی. ۲۷۵ خدا ربا را کم کم نابود و بی برکت می کند و صدقات را چند برابر و بابرکت. ۱ خدا هیچ رباخوار ناسپاس و سهل انگاری را دوست ندارد. ۲۷۶

مسلمانانی که حرف های گفته شده در بالا را باور کنند و کارهای خوب بکنند و نماز را با آدابش بخوانند و صدقه بدهند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می کند و نه غصه می خورند. ۲۷۷

مسلمانان! در حضور خدا حقوق مالی دیگران را رعایت کنید و اگر واقعاً مؤمنید، باقی مانده ربایی را که می گرفتید، از بدهکارهایتان نگیرید. ۲۷۸ اگر چنین نکردید و به رباخواری ادامه دادید، در واقع به خدا و رسولش اعلام جنگ کرده اید؛ اما اگر توبه کنید و از رباخواری دست بکشید، اصل سرمایه تان برای خودتان است: در این حال، نه حق کسی را ضایع می کنید و نه کسی حق تان را ضایع می کند. ۲۷۹

حالا اگر بدهکاری توان پرداخت اصل سرمایه را هم ندارد، تا وقت توانایی مهلتش بدهید. به شرط آنکه همه تلاش خود را در پرداخت بدهی اش به کار ببندد. اگر هم اصلاً توان پرداخت نداشت، بخشیدنش برایتان بهتر است؛ البته اگر ارزش این دو کار را بدانید. ۲۸۰

بترسید از روزی که به سوی خدا برتان می گردانند! بعد، در عدالت محض، کارهای هرکس را کامل به او پس می دهند. ۲ ۲۸۱

۱. کمک کردن و صدقه دادن مایه همدلی و مهربانی می شود و امنیت روانی را در جامعه گسترش می دهد و از رواج دزدی و فساد پیشگیری می کند. بنابراین، ثروت انسان های خیرخواه حتی در زندگی دنیا فراوان و بابرکت می شود. در مقابل، ربا باعث سنگدلی و بدگمانی می شود و امنیت و آرامش را از جامعه می گیرد و حسن انتقام جویی را در میان مردم گسترش می دهد. بنابراین، درآمد رباخواران آن ها را به نابودی و ورشکستگی می کشد.

۲. این آخرین آیه ای است که بر پیامبر ﷺ فرستاده شد و به دستور الهی، در اینجا قرار گرفت.

مسلمانان! در قراردادهای مدت دار،^۱ تعهدات مالی تان به همدیگر را بنویسید.^۲ اگر سواد خواندن و نوشتن ندارید، باید نویسنده‌ای در حضور شما آن را با دقت بنویسد. نویسنده هم به شکرانه اینکه خدا به او توفیق سوادآموزی داده است، نباید از نوشتن خودداری کند.

بدهکار باید در حضور خدا، یعنی صاحب اختیارش، میزان بدهی‌اش را بدون کم‌وکاست دیکته کند و نویسنده هم بنویسد.

در ضمن، اگر بدهکار به هر علتی، مثل کم‌عقلی^۳ یا ضعف^۴ یا ناتوانی در تکلم، توانایی دیکته کردن ندارد، سرپرست او به درستی دیکته کند.

علاوه بر نوشتن بدهی، دو مرد مسلمان معتمد و در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن مسلمان معتمد را بر این بدهی شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن احیاناً بعضی جزئیات قرارداد را فراموش کرد، آن یکی به یادش بیاورد. وقتی شاهدان را برای شهادت دادن دعوت می‌کنند، نباید از این کار خودداری کنند.

در نوشتن مبلغ و مدت بدهی، چه کم باشد چه زیاد، تنبلی نکنید؛ چون که از نظر خدا، نوشتن تعهدات عادلانه تر است. همچنین محکمه‌پسند تر است و برای اینکه کارتان به اختلاف و دعوا نکشد، بهتر.

از طرف دیگر، اگر معامله نقدی بود و جنس و پول را درجا دست به دست کردید، اشکالی ندارد که آن را ننویسید؛ ولی به هر حال، در معاملات مهم شاهد گرفتن خوب است.

همچنین، برای نویسنده و شاهد نباید ایجاد مزاحمتی شود که اگر چنین کنید، منحرف شده‌اید و در واقع به خودتان بد کرده‌اید. در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید. خداست که احکام دین را یادتان می‌دهد. آخر، او هر چیزی را می‌داند. ۲۸۲

۱. قرض، نسیه، پیش‌فروش، اجاره، شراکت، مضاربه، مصالحه و ...

۲. این آیه که به «آیه تداّن» معروف است، طولانی‌ترین آیه قرآن است که حدود بیست موضوع مهم تجاری اقتصادی را بیان می‌کند.

۳. «سفیه» را در پاورقی آیه ۵ سورة نساء (ص ۷۷) توضیح داده‌ایم.

۴. کم‌سن و سال باشد (هرچند به سن بلوغ رسیده باشد) یا پیرفروتن باشد یا مریض باشد.

اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای پیدا نکردید، چیزی به عنوان گرو از بدهکار بگیرید و اگر به هم اطمینان دارید، گرو گرفتن لازم نیست. پس بدهکاری که به او اعتماد شده باید بدهی‌اش را در موعد مقرر بپردازد و در حضور خدا، یعنی صاحب اختیارش، مراقب رفتارش باشد.

بدهی‌تان را انکار نکنید! هرکه بدهی‌اش را انکار کند، واقعاً که سهل‌انگار است. بله، خدا می‌داند که چه می‌کنید. ۲۸۳

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست؛ بنابراین، عقاید و اخلاق و نیت‌های زشتی که دارید، چه آشکارش کنید و چه پیش خودتان نگه دارید، خدا شما را بابت آن‌ها حسابرسی می‌کند: بعد، هرکه را لایق ببیند، می‌آمرزد و هرکه را مستحق عذاب ببیند، مجازات می‌کند؛ چون که خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۲۸۴

پیامبر آنچه را از طرف خدا برایش فرستاده شده، باور کرد و مؤمنان همراهش هم آن را باور کردند. همگی شان خدا، فرشتگانش، کتاب‌هایش و پیامبرانش را باور کردند و گفتند: «در اصل نبوت، بین هیچ‌یک از پیامبران خدا فرق نمی‌گذاریم.» همچنین گفتند: «گوش شنوا داشتیم و اطاعت کردیم. خدایا، از تو آمرزش می‌خواهیم و به سوی توست سرانجام همه...» ۲۸۵

خدا هرکس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌داند. هر کار خوبی بکند، به سود خودش است و هر کار بدی هم بکند، به زیان خودش.

«... خدایا، اگر فراموش کردیم یا مرتکب خطا شدیم، به ما سخت نگیر! خدایا، هیچ تکلیف سنگینی بر دشمنان نگذار، آن‌طور که بر دوش کسانی که قبل از ما بودند گذاشتی، به خاطر کارهای زشتشان. خدایا، بابت عواقب گناهانمان، کارهای طاقت‌فرسا بر دوش ما نگذار. از گناهان ما چشم‌پوش و آن‌ها را بپوشان و با محو کردنشان به ما رحم کن! تو همه‌کاره مایی؛ پس بر جماعت بی‌دین پیروزمان کن.» ۲۸۶

سوره آل عمران به نام خدای خوب مهربان

الف، لام، میم. ۱

جز خدا هیچ معبودی نیست. همیشه زنده است و پاینده. ۲ او قرآن را حساب شده و هدف دار بر تو فرستاد. قرآن تأییدکننده کتاب های آسمانی موجود است؛ البته خدا قبل از قرآن، تورات و انجیل را برای راهنمایی مردم فرستاده بود. بله، قرآن جداکننده حق از باطل را فرستاد. کسانی که آیه ها و نشانه های خدا را باور نکنند، عذاب سختی در پیش دارند؛ چون خدا شکست ناپذیر انتقام گیر است. ۳ ۴ یقیناً در زمین و آسمان چیزی از خدا پوشیده نمی ماند. ۵ او کسی است که هر طور صلاح بداند، شما را در شکم مادرانتان شکل و شمایل می دهد. جز او معبودی نیست. شکست ناپذیر کار درست است. ۶ هم اوست کسی که قرآن را بر تو فرستاد. بخشی از آن، آیه های «محکم» است که پایه قرآن اند و بخشی دیگر آیه های «متشابه» و چند پهلوست. کسانی که در دل هایشان انحراف هست، به این قصد دنبال آیه ای متشابه می روند که به میل خودشان تفسیرش کنند و فتنه به پا سازند! به هر حال، تحقق عینی قرآن را خدا می داند و بس!

اما عالمان ثابت قدم می گویند: «به آیه های متشابه ایمان داریم. تمام قرآن، چه محکم چه متشابه، همه را خدا فرستاده است...»^۲ البته جز مردم عاقل، کسی به خود نمی آید. ۷

آن عالمان ادامه می دهند: «... خدایا، بعد از آنکه راهنمایی مان کردی، دل هایمان را از حق منحرف نکن و خودت توفیق شناخت قرآن را به ما بده. آخر، تنها تو بخشنده ای. ۸ خدایا، در روزی که جای هیچ شک و شبهه ای در آمدنش نیست، مردم را جمع می کنی.» بله، خدا برخلاف وعده اش عمل نمی کند. ۹

۱. منظور، تورات و انجیل موجود در دوران صدر اسلام است.

۲. البته معصومان بزرگوار (علیهم السلام) که مصداق کامل «عالمان ثابت قدم» هستند، علاوه بر ایمان داشتن به آیه های متشابه، به کمک خدای کار درست، عالم به آن ها هم هستند.

از اموال و اولاد بی دین ها در برابر خشم خدا هیچ کاری ساخته نیست و اتفاقاً خودشان هم سوخت آتش جهنم اند! ۱۰ رفتارشان مثل رفتار قبلی هایشان به ویژه فرعونیان است: آیه ها و نشانه های ما را دروغ دانستند. خدا هم به سزای گناهانشان گریبانشان را گرفت. آخر، مجازات خدا شدید است! ۱۱

به بی دین ها هشدار بده: «به همین زودی ها شکست سختی می خورید. روز قیامت هم، دسته جمعی به جهنم برده می شوید و آنجا بد جایگاهی است!» ۱۲ در جنگ بدر، وقت رودررو شدن دو لشکر، کمک خدا به شما مثل روز، روشن بود: یک طرف، مسلمان بودند و در راه خدا می جنگیدند و طرف دیگر بی دین هایی بودند که به وضوح، تعداد مسلمانان را دو برابر می دیدند! خدا هر که را شایسته ببیند، با کمک خود تأیید می کند. بله، این ماجرا مایه عبرت افراد روشن بین است. ۱۳

علاقه شدید به برخی چیزها، در چشم مردم، رنگ و لعاب داده شده است: زنان زیبارو، فرزندان زیاد، پس انداز بی رویه طلا و نقره، وسایل نقلیه لوکس و گران قیمت، گله های دام و مزارع وسیع. این ها خوشی های ناچیز و زودگذر زندگی دنیا است؛ در حالی که عاقبت به خیری فقط دست خداست. ۱۴

بپرس: «می خواهید خیلی بهتر از این ها را به شما معرفی کنم؟ کسانی که مراقب رفتارشان باشند و گرفتار چرب و شیرین دنیا نشوند، پیش خدا باغ هایی پر درخت خواهند داشت که در آن ها جوی ها روان است و آنجا ماندنی اند. همچنین، همسرانی زیبا و پاک دارند و از رضایت خدا برخوردارند. خدا حال و روز بندگان را می بیند.» ۱۵

اینان همیشه می‌گویند: «خدایا، ما ایمان آوردیم. تو هم گناهانمان را ببوشان و از عذاب جهنم حفظمان کن.» ۱۶ اینان اهل صبرند، اهل راستگویی اند، اهل فروتنی اند و اهل کمک اند. به وقت سحر هم اهل استغفارند. ۱۷

خدا که برپادارندهٔ عدل و داد است، گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و عالمان راستین هم گواهی می‌دهند. بله، جز او معبودی نیست. او شکست‌ناپذیر کار درست است. ۱۸

از نظر خدا، دین صحیح یعنی تسلیم شدن در برابر او؛ ولی این عالمان زیاده‌خواه بودند که با وجود این همه آموزه‌ها، اختلاف نظر در معارف دین را باب کردند. هرکسی آیه‌های خدا را قبول نداشته باشد، خدا به زودی به حسابش می‌رسد؛ زیرا خدا حسابرسی سریع است. ۱۹ پس، اگر بزرگان مسیحیان نجران با تو دربارهٔ حقانیت دین اسلام چون و چرا کردند، جواب بده: «من و پیروانم همهٔ وجودمان را به خدا سپرده‌ایم.» و کلاً به کسانی مانند یهودی‌ها و مسیحی‌ها که کتاب آسمانی دارند و نیز به بت‌پرست‌هایی که با کتاب آسمانی آشنا نیستند، بگو: «شما هم اسلام آورده‌اید؟! اگر که واقعاً اسلام آورده‌اند، راه درست را در پیش گرفته‌اند و اگر سرپیچی کردند، نگران‌شان نباش؛ چون که وظیفهٔ تو فقط رساندن پیام الهی است و خدا حال و روز بندگان را می‌بیند. ۲۰

به کسانی که آیه‌ها و نشانه‌های خدا را قبول ندارند و پیامبران الهی و توصیه‌کنندگان به عدالت را ناجوانمردانه به شهادت می‌رسانند، مژدهٔ عذابی زجرآور بده! ۲۱

از این قماش افراد، اگر احیاناً کارهای خوبی هم سرزده باشد، در دنیا و آخرت به هدر می‌رود و آن‌ها دیگر هیچ یآوری نخواهند داشت! ۲۲

۱. معصومان بزرگوار (علیهم‌السلام) به ما سفارش کرده‌اند که وقتی شب‌ها می‌خواهیم بخوابیم، این آیه‌ها را بخوانیم: ۲۵۵ تا ۲۵۷ بقره (ص ۴۲)، ۱۸ و ۱۹ و نیز ۲۶ و ۲۷ آل عمران (ص ۵۲ و ۵۳)، ۵۴، ۵۶ اعراف (ص ۱۵۷)، ۱۰۹ و ۱۱۰ کهف (ص ۳۰۴)، ۱۸ تا آخر حشر (ص ۵۴۸).

مگر نندیدی یهودی‌هایی که بهره‌ کمی از تورات برده‌اند، برای حل اختلافاتشان به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان داوری کند، ولی عده‌ای از آن‌ها با بی‌اعتنایی، از احکام صادرشده رو برمی‌گردانند؟! ۲۳ این روگردانی برای آن است که به خیال خودشان می‌گفتند: «پرآتش جهنم فقط چند روزی ما را می‌گیرد.»^۱ از قضا، همان دروغ‌هایی که سرهم می‌کردند، آن‌ها را در دینشان گول زد. ۲۴ در آن روزی که جمعشان می‌کنیم، حالشان چطور خواهد بود؟! همان روزی که جای هیچ شک و شبهه‌ای در آمدنش نیست و در عدالت محض، کارهای هرکس را کامل به او پس می‌دهند! ۲۵

بگو: «خدایا، ای اختیاردار همهٔ سلطه‌ها،^۲ مقام و موقعیت را به هرکه صلاح بدانی، می‌دهی و از هرکه صلاح بدانی، پس می‌گیری. هرکه را لایق ببینی، عزیز و گرامی می‌داری و هرکه را نالایق ببینی، خواروار می‌کنی! همهٔ خوبی‌ها دست توست و تو از عهدهٔ هر کاری برمی‌آیی. ۲۶ در طول سال، مدتی شب‌ها را بلند و روزها را کوتاه می‌کنی و مدتی روزها را بلند و شب‌ها را کوتاه.^۳ همچنین، موجود زنده را از دل مادهٔ بی‌جان بیرون می‌کشی و مادهٔ بی‌جان را از موجود زنده. به هرکه هم مصلحت بدانی، فراوان روزی می‌دهی!» ۲۷

بنابراین، مسلمانان نباید به جای دوستی با مسلمانان، با بی‌دین‌ها طرح دوستی بریزند. هرکه چنین ارتباطی با آن‌ها برقرار کند، دیگر هیچ رابطه‌ای با خدا نخواهد داشت؛ مگر آنکه بخواهید از شرشان در امان بمانید.^۴ خدا دربارهٔ عذابش به شما هشدار می‌دهد و به او ختم می‌شود آخر عاقبت همه. ۲۸ بگو: «آنچه را در دل هایتان است، چه پیش خودتان نگه دارید چه آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند و در واقع، آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند. آخر، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۲۹

۱. پاورقی آیه ۸۰ سوره بقره (ص ۱۲) را ببینید.

۲. خدا دهنده و گیرندهٔ همهٔ سلطه‌های دنیایی و آخرتی است: تمام اقتدارهای مادی و معنوی، تک‌تک قدرت‌های تکوینی و تشریعی، تمامی ولایت‌های نبوی و علوی، یک‌یک چیرگی‌های علمی و فنی و همهٔ سمت‌ها و مقام‌های اعتباری و سازمانی.

۳. پاورقی آیه ۲۹ سوره لقمان (ص ۴۱۴) را ببینید.

۴. نام این ارتباط مصلحتی «تقیه» است. در تقیه، باطن انسان خوب است و ظاهرش نه. برعکس «نفاق» که در آن، باطن انسان خراب است و ظاهرش پسندیده. دربارهٔ برقراری روابط حسنه با سایر کشورها آیه‌های ۸ و ۹ سورهٔ متحنه (ص ۵۵۰) را هم ببینید.

به یاد روزی باش که هرکس تمام کارهای خوب و بدی را که کرده است، جلوی چشمش می بیند و آرزو می کند که بین او و کارهای بدش فاصله ای دورودراز باشد! بله، خدا درباره عذابش به شما هشدار می دهد؛ چون خدا دلسوز بندگان است. ۳۰ پیامبر، بگو: «اگر خدا را دوست دارید، دنباله رو من باشید تا خدا هم دوستان داشته باشد و گناهانتان را ببامرزد؛ چون که خدا آمرزنده مهربان است.» ۳۱ همچنین، تأکید کن: «از خدا و پیامبر اطاعت کنید.» اگر سرپیچی کنند، خدا قطعاً چنین بی دین های نافرمانی را دوست ندارد. ۳۲

خدا آدم و نوح و خانواده ابراهیم و خانواده عمران^۱ را انتخاب کرد و بالادست مردم جهان نشانده. ۳۳ نسلی که در پاکی و درستی، همه از یک جنس اند. خدا شنوای داناست. ۳۴

حنّا، همسر عمران، نجوا کرد: «خدایا، بچه ای را که در شکم دارم، وقف تو کرده ام تا فارغ از هر مشغله ای در خدمت دین تو باشد. از من بپذیر که تو فقط شنوای دانایی.» ۳۵ همین که بچه اش را به دنیا آورد، با حسرت گفت: «خدایا، بچه ام دختر است!» البته خدا بهتر می دانست که او چه بچه مهمی به دنیا آورده است! پسری که او می خواست، به اهمیت دختری نبود که به او دادیم! بعد ادامه داد: «نامش را مریم گذاشتم. او و بچه هایش را از شر شیطان رانده شده از خوبی ها به تو می سپارم.» ۳۶

خدا هم مریم را به شایستگی پذیرفت و زمینه را برای رشد مناسبش چید و زکریا^۲ را سرپرستش کرد. هر بار که زکریا برای دیدن مریم به عبادتگاه او می رفت، خوراکی های خوب و خوشمزه در کنارش می دید! روزی پرسید: «مریم، این ها از کجا برایت می آید؟!» مریم جواب داد: «این ها از طرف خداست. خدا به هر که صلاح بداند، فراوان روزی می دهد.» ۳۷

۱. در اینجا منظور از «عمران» پدر حضرت مریم علیها السلام است و آل عمران یعنی مریم علیها السلام و مادرش حنّا و حضرت عیسی علیه السلام و سلسله بعد از آنان.

۲. حضرت زکریا علیه السلام شوهرخاله حضرت مریم علیها السلام بود.

اینجا بود که زکریا امیدوارانه خدا را صدا زد: «خدا یا، خودت به من هم فرزندی صالح ببخش که تو مستجاب کننده دعایی». ۳۸

بعد، درحالی که زکریا در عبادتگاهش مشغول نماز بود، فرشتگان خطابش کردند: «خدا مژدهات می دهد به ولادت پسری به نام یحیی که پیامبری مخلوق ویژه خدا یعنی عیسی را به جان می پذیرد و خیلی هم آقا و پاک دامن است و پیامبری است جزو شایستگان». ۳۹

زکریا با کنجکاوی پرسید: «خدا یا، چطور ممکن است پسر دار شوم؟! دوران پیری ام رسیده و همسرم هم که نازاست!» خدا فرمود: «بله، همین طور است؛ ولی خدا هر کاری بخواهد، می کند». ۴۰

زکریا که بی قرار دانشمندان زمان بچه دار شدنش بود، گفت: «خدا یا، نشانه ای برایم بگذار». فرمود: «نشانه اش این است که تا سه شبانه روز نمی توانی با مردم حرف بزنی، جز با رمز و اشاره! به شکرانه این نعمت، خیلی به یاد خدا باش و صبح و شب به پاکی یادش کن». ۴۱

فرشتگان به مریم گفتند: «خدا انتخاب کرده و از آلودگی های ظاهری و باطنی و تهمت های ناروای مردم، تو را پاک ساخته و از بین بانوان دنیا، تو را برای مادر شدن بدون همسر انتخاب کرده است! ۴۲ مریم! در برابر خدا فروتن باش و با جماعت نمازگزاران سجده و رکوع کن». ۴۳

ای پیامبر، این ماجراها جزو خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ وگرنه تو که پیش آن ها نبودی؛ نه وقتی قرعه کشی می کردند که سرپرستی مریم را کدامشان به عهده بگیرد و نه وقتی که اولش، درباره سرپرستی مریم کارشان به دعا کشید! ۴۴

باز، فرشتگان گفتند: «مریم، خدا مژدهات می دهد به تولد مخلوق ویژه ای از طرف خودش: نامش عیسی بن مریم است و لقبش مسیح. او در دنیا و آخرت آبرومند است و از بندگان خیلی نزدیک خدا به شمار می آید. ۴۵

در نوزادی هم، مثل بزرگ سالی اش، عاقلانه و پیامبرانه با مردم حرف می زند و جزو شایستگان است...» ۴۶

مریم پرسید: «خدایا، چطور ممکن است بچه دار شوم؟! با اینکه مردی با من ازدواج نکرده!»

جبرئیل فرمود: «بله، همین طور است؛ ولی خدا هر چه بخواهد، می آفریند؛ یعنی وقتی چیزی را بخواهد، فقط تا فرمان بدهد: 'باش'، به سرعت به وجود می آید.» ۴۷

«... همچنین، به عیسی کتاب آسمانی و حکمت^۱ و تورات و انجیل یاد می دهد. ۴۸ در شروع کار، او را به سوی بنی اسرائیل می فرستد تا به آن ها بگوید: 'من از طرف خدا برایتان معجزه هایی روشن آورده ام: از گل چیزی می سازم شبیه پرندۀ واقعی. بعد در آن فوت می کنم. پس با اجازه خدا پرندۀ ای جاندار می شود! تازه، با اجازه خدا، کور مادرزاد و جزّامی را هم شفا می دهم و مرده ها را زنده می کنم! همین طور، می توانم به شما بگویم که در خانه هایتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید! این کارها نشانه خوبی است برای شما در پی بردن به حقایق من، اگر واقعاً ایمان داشته باشید. ۴۹ آمده ام تا کتاب آسمانی موجود یعنی تورات را تأیید کنم و در عین حال، بعضی چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، برایتان حلال کنم. بله، با معجزه پیشتان آمده ام. پس، در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و از من اطاعت کنید. ۵۰ در حقیقت، خدا صاحب اختیار من و شماست. او را بپرستید که راه درست زندگی همین است.» ۵۱

ولی وقتی عیسی بی دینی مردم را به عیان دید، پرسید: «چه کسی یاور من است در راه حفظ دین خدا؟» یاران مخصوصش جواب دادند: «ما یاوران دین خداییم؛ چون خدا را باور داریم. تو هم شاهد باش که ما همه تسلیم فرمان اویم.» ۵۲

۱. برای توضیح «حکمت»، پاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰) را ببینید.

خدایا، به آنچه تو فرستاده‌ای ایمان آورده‌ایم و دنباله‌رو پیامبرت بوده‌ایم؛ پس ما را با شاهدان^۱ همنشین کن. ۵۳

بدخواهان برای کشتن عیسی نقشه کشیدند. خدا هم بر ضدشان نقشه کشید. البته خدا ماهرترین نقشه‌کشنده است. ۵۴ نقشه خدا این بود که فرمود: «عیسی، خودم تو را برمی‌دارم و زنده به طرف خودم بالا می‌آورم و از دست بی‌دین‌های ناپاک نجات می‌دهم. تا روز قیامت هم، همیشه پیروان واقعی‌ات^۲ را برتر از بی‌دین‌ها قرار می‌دهم. البته آخر سر، به سوی من است برگشتنتان؛ در نتیجه در هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، بینتان داوری می‌کنم. ۵۵ پس بی‌دین‌ها را در دنیا و آخرت به غذایی سخت گرفتار می‌سازم و دیگر هیچ یآوری نخواهند داشت. ۵۶ اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، خدا پاداششان را کامل می‌دهد. بله، خدا بدکارها را دوست ندارد. ۵۷

این داستان را که به دقت برایت می‌خوانیم، از نشانه‌های حقانیت توست و پند حکیمانه است. ۵۸ در واقع، داستان آفرینش عیسی، از نظر خدا، مثل آفرینش آدم است که بدنش را از خاک آفرید و بعد به او دستور داد: «موجود زنده باش.» در لحظه، همان شد! ۵۹ آنچه درباره عیسی گفته می‌شود، همه از طرف خداست؛ پس حتی برای لحظه‌ای، شک به دلت راه نده! ۶۰

اگر بعد از این حقایقی که درباره عیسی به دست رسیده، باز درباره او چون و چرا کردند، به آن‌ها پیشنهاد مباحله^۳ بده؛ یعنی بگو: «بیایید این‌ها را یکجا جمع کنیم: فرزندانمان و فرزندانانتان و بانوانمان و بانوانانتان و خودمان^۴ و خودتان. بعد، کار را به خدا واگذار کنیم و با تضرع و زاری، لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.» ۶۱

۱. «شاهدان» یعنی شاهدان کارهای مردم یا شاهدان بر یگانگی خدا.

۲. با توجه به سفارش حضرت عیسی علیه السلام به پیروی از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، در آیه ۶ سوره صف (ص ۵۵۲)، پیروان واقعی حضرت مسیح علیه السلام مسلمانان هستند.

۳. اگر بعد از آوردن دلیل کافی و قانع‌کننده برای ثابت کردن مطلبی مهم، طرف مقابل از روی لجبازی از قبولش خودداری کند، می‌توان او را به مباحله دعوت کرد. چگونگی‌اش در همین آیه آمده است.

۴. برای چنین رویداد سرنوشت‌سازی، پیامبر صلی الله علیه و آله فقط چهار نفر را با خود آورد: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به مصداق «نساءنا» آورد و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را برای «ابناءنا». می‌ماند «انفسنا»: ایشان با آوردن امیرالمؤمنین نشان داد که علی علیه السلام جان محمد صلی الله علیه و آله است و جز پیامبری، تمام ویژگی‌های او را داراست. جالب اینکه اسقف منطقه نجران وقتی چشمش به این جمع پنج نفره افتاد، از مباحله منصرف شد.

بله، قصه واقعی عیسای مسیح همین است. معبودی جز خدا نیست و قطعاً خداست همان شکست ناپذیرِ کاردرست. ۶۲

بعد از جریان مباحله، اگر باز هم از پذیرش حق سرپیچی کنند، خدا حال خراب کارهای لج باز را خوب می داند. ۶۳

به اهل کتاب پیشنهاد بده: «بیایید بر سر اصول و ارزش هایی که بین ما و شما مشترک است، تمرکز کنیم؛ فقط خدا را عبادت کنیم و بت نپرستیم و افرادی از خودمان را به جای خدا ارباب های خود ندانیم.» اگر با این پیشنهاد هم مخالفت کردند، بگویید: «بدانید که ما در هر حال به این اصل مشترک عمل می کنیم.» ۶۴

اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم با همدیگر چون و چرا می کنید و او را دنباله رو دین خود می دانید؟! تورات و انجیل که بعد از او فرستاده شده! پس چرا عقلتان را به کار نمی اندازید؟! ۶۵

هان! شما همان هایی هستید که درباره موضوعات مرتبط با دین خودتان، که اتفاقاً اطلاعی هم از آن ها داشتید، با مسلمانان جرّ و بحث کردید و محکوم شدید! حالا چطور درباره آیین ابراهیم و ارتباط آن با دین خودتان چون و چرا می کنید که از آن اطلاعی هم ندارید؟! بله، خدا می داند و شما نمی دانید. ۶۶

ابراهیم نه یهودی بود، نه مسیحی؛ بلکه انسانی بود میانه رو و تسلیم دستورهای خدا. هرگز هم بت پرست نبود. ۶۷

در حقیقت، نزدیک ترین مردم به ابراهیم همان پیروان او هستند و این پیامبر یعنی محمد و نیز مسلمانان. خدا هم کس و کار مؤمنان است. ۶۸

گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که گمراهتان کنند؛ در حالی که دارند خودشان را گمراه می کنند؛ ولی نمی فهمند! ۶۹

اهل کتاب! چرا نشانه های پیامبری محمد را قبول نمی کنید، با اینکه در تورات و انجیل هم آن نشانه ها را دیده اید؟! ۷۰

اهل کتاب! چرا حق را وارونه جلوه می دهید و حقیقت را آگاهانه کتمان می کنید؟! ۷۱

بعضی یهودی ها به بعضی دیگر پیشنهاد کردند: «اول روز وانمود کنید به دین و قرآنی که بر مسلمانان فرستاده شده است، ایمان آورده اید و آخر روز از ایمان خود برگردید! شاید آن ها هم از دین اسلام برگردند. ۷۲ همچنین، در بازگو کردن مطالب مشترک تورات و قرآن به کسی، جز پیروان دینتان، اعتماد نکنید! نکنند معلوم شود مثل کتابی که به شما داده اند، به دیگران هم داده می شود! یا اینکه در قیامت، پیش خدا علیه شما حرفی بزنند!»

جواب بده: «در واقع، هدایت واقعی فقط هدایت خداست و فضیلت نبوت هم به دست اوست که به هر کس شایسته ببیند، می دهد؛ چون خدا روزی گستر داناست. ۷۳ بله، هر که را لایق ببیند، با لطف ویژه اش می نوازد؛ زیرا خدا لطف بسیار دارد.» ۷۴

البته در بین اهل کتاب، کسانی هستند که اگر اعتماد کنی و هزار سکه طلا هم به آن ها بدهی، به تو پس می دهند. کسانی هم هستند که اگر اعتماد کنی و سکه ای طلا هم به آن ها بدهی، به تو پس نمی دهند؛ مگر آنکه بالای سرشان پایستی تا مالت را پس بگیری!

دلیل این کار زشتشان آن است که به خیال خودشان می گویند: «بقیه مردم حق ندارند به کارهای ما اعتراض کنند! چون ما نژاد برتریم.» آن ها با این حرف، آگاهانه به خدا دروغ می بندند. ۷۵ چرا، دیگران حق اعتراض دارند. آنان که سر قولشان بمانند و مراقب رفتارشان باشند، خدا دوستشان دارد. بله، او خودمراقبان را دوست دارد. ۷۶

در مقابل، کسانی که تعهد دین داری و قسم های خود را به قیمت ناچیز مادی می فروشند، در آخرت بهره ای ندارند و خدا روز قیامت، نه با آن ها محبت آمیز حرف می زند و نه به آن ها توجهی می کند. همچنین، در این دنیا توفیق پاک سازی از گناهان به آن ها نمی دهد و در آخرت دچار عذابی زجرآور می شوند. ۷۷

عده‌ای از عالمانِ یهودی، وقتِ خواندن دست‌نوشته‌های خود، لحنشان را جوری تغییر می‌دهند که خیال کنید آن‌ها جزو کتاب خداست؛ درحالی‌که جزو کتاب خدا نیست. تازه، ادعا می‌کنند: «آن دست‌نوشته‌ها را خدا فرستاده!» درحالی‌که خدا نفرستاده است و آن‌ها آگاهانه این دروغ‌ها را به خدا نسبت می‌دهند. ۷۸

محال است^۱ خدا به انسانی کتاب آسمانی و سمت رهبری و پیامبری بدهد، بعدش او به مردم و به‌ویژه به عالمان این‌طور دستور دهد: «به جای بندگی خدا، بندگان من باشید!» بلکه دستور می‌دهد: «شما که کارتان یاد دادن کتاب آسمانی و خواندن آن است، پس بیایید عالمانی خداجو^۲ باشید!» ۷۹

همین‌طور، دستور نمی‌دهد: «فرشتگان و پیامبران را ارباب‌های خود بگیرید.» یعنی بعد از آنکه در برابر خدا تسلیم شدید، باز دستوراتان می‌دهد به بی‌دینی؟! ۸۰ این‌طور بود که خدا از پیامبران و پیروانشان قول گرفت: «هر وقت کتاب آسمانی و حکمت به شما دادم و در آینده، پیامبری آمد که کتاب آسمانی‌تان را تأیید کرد، باید به او ایمان بیاورید و یاری‌اش کنید.»^۳ بعد، خدا از پیامبران پرسید: «به این موضوع اقرار می‌کنید؟ و درباره‌اش از پیروانتان تعهد محکم می‌گیرید؟» جواب دادند: «بله، اقرار می‌کنیم.» فرمود: «پس، شما شاهد باشید و من هم با شما شاهد هستم. ۸۱ آن‌هایی که از این به بعد سرپیچی و عهدشکنی کنند، افرادی منحرف‌اند.» ۸۲

با این همه دلیل‌های روشن، بی‌دین‌ها چطور دنبال چیزی جز دین خدا هستند؟! با آنکه تمام ساکنان آسمان‌ها و زمین، خواسته و ناخواسته، فقط در برابر او سر تسلیم فرود آورده‌اند و دست‌آخر، فقط به‌سوی او برشان می‌گردانند؟! ۸۳

۱. بنی اسرائیل دو نوع تهمت به حضرت عیسی (علیه السلام) می‌زدند: ۱. فرزندی خدا؛ ۲. دعوت مردم به پرستش خودش. آیه‌های قبل در جواب تهمت اول بود و از اینجا به بعد در جواب تهمت دوم است.

۲. خداجو و رتانی کسی است که با خدا ارتباط عمیق دارد و عالم خداجو و دانشمند رتانی کسی است که راه پیامبران را برود و با رفتار پسندیده و گفتار مفید خود، به آگاه کردن مردم کمک کند.

۳. هر پیامبری مأموریت داشته است که اصل رسالت پیامبران قبلی و خطوط کلی اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی‌شان را تأیید کند؛ البته برخی احکام جزئی را که تاریخ‌مصرشان محدود بوده، تغییر می‌داده و روش مناسب با زمان خود را اجرا می‌کرده است.

پیامبر! بگو: «ایمان آورده ایم به خدا و به آنچه بر ما فرستاده شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از نسل یعقوب^۱ فرستاده شده و به آنچه به موسی و عیسی و به همه پیامبران از طرف خدا داده شده است. در اصل نبوت، بین هیچ کدامشان فرق نمی گذاریم و در برابر خدا، کاملاً تسلیمیم.» ۸۴

هرکه دنبال دین دیگری به جز اسلام باشد، آن دین هرگز از او پذیرفته نمی شود و در آخرت هم سرمایه عمرش را باخته است. ۸۵

خدا دیگر چطور دست گروهی را بگیرد که بعد از اسلام آوردنشان بی دین شده اند؟! با آنکه آن ها قبول داشتند که پیامبر اسلام برحق است و نشانه های روشنی هم دستشان رسیده بود. بله، خدا دست مردم بدکار را نمی گیرد. ۸۶

جزایشان این است: لعنت خدا و همه فرشتگان و مردم بر آن ها! ۸۷ همیشه از رحمت خدا دورند. نه از عذابشان کم می کنند و نه مهلت فرار به آن ها می دهند؛ ۸۸ مگر کسانی که بعد از آن همه رفتار زشت، توبه کنند و خراب کاری ها و خطاهای گذشته را جبران سازند؛ چون خدا آمرزنده مهربان است. ۸۹

البته کسانی که بعد از اسلامشان بی دین شوند و با کارهای زشت، بی دینی شان را بیشتر کنند و بعد، از روی ناچاری، در لحظه جان کندن توبه کنند، توبه آن ها هرگز قبول نخواهد شد^۲ و آن ها همان گمراهان واقعی اند. ۹۰

کسانی که بی دین شوند و در حال بی دینی از دنیا بروند، اگر برای رهایی خودشان از عذاب، تمام زمین را هم از طلا پر کنند و بدهند، از هیچ کدامشان قبول نخواهد شد. بله، عذابی زجرآور نصیبشان می شود و هیچ یآوری نخواهند داشت! ۹۱

۱. نگاه کنید به پاورقی آیه ۱۳۶ سوره بقره (ص ۲۱).

۲. آیه های ۱۷ و ۱۸ سوره نساء (ص ۸۰) در همین زمینه است. البته این جور افراد اگر در لحظه های پایانی عمر و قبل از احتضار، یعنی قبل از دیدن فرشته مرگ یا بعضی نشانه های زندگی برزخ، از کارهای زشت گذشته خودشان واقعاً پشیمان باشند و توبه کنند، ان شاء الله خدای مهربان توبه شان را قبول خواهد کرد.